

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
سال هشتم، شماره‌ی سی‌ودوم، تابستان ۱۳۹۶، صص ۱۳۰-۱۰۵

نقش اختربینی در نظم زمانی و زمینه‌ی تقویم‌نگاری احکامی متشرعین در عصر صفوی

دکتر محمدتقی مشکوریان^۱، دکتر علی‌اکبر جعفری^۲

چکیده

اختربینی، به عنوان علم مطالعه اثر اجرام آسمانی بر عالم تحت قمر، نقش مهمی در تنظیم زمان در دوره صفویه داشت. همچنین تقویم‌های متنوعی که توسط منجمین در اختیار مردم قرار می‌گرفت موجب عمومیت یافتن استفاده از اختربینی در تنظیم زمانی امور در جامعه صفوی شد. این تقویم‌ها به دلیل محتوای تنجیمی خود نقش مهمی در تنظیم امور داشتند، و همین امر موجب مخالفت متشرعین با انتشار تقویم نجومی و ورود این عده به عرصه اختربینی و انتشار تقویم‌های شرعی شد. این پژوهش، با هدف بررسی عملکرد متشرعین در این حوزه، قصد آن دارد تا به شیوه توصیفی-تحلیلی به این سؤال پاسخ گوید که چرا متشرعین در دوره صفویه به مسائل اختربینی و تنظیم تقویم شرعی پرداختند؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد متشرعین در دوره صفویه، به تأسی از منابع شرعی، به جای مخالفت با اختربینی و کار منجمان، خود وارد عرصه شده و با استفاده از احادیث تلاش نمودند به احکام نجومی وجهی شرعی بدهند.

واژه‌های کلیدی: جامعه صفوی، اختربینی، تقویم، نظم زمانی، متشرعین، منجمان

۱. دانش‌آموخته‌ی دکتری تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول).

(mashkourian@gmail.com)

۲. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان و عضو قطب علمی مطالعات فرهنگ و تمدن شیعه در دوره صفوی.

(a.jafari2348@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۹/۳ تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۹/۱۸

مقدمه

اختربینی (احکام نجومی، تنجیم) جزو عوامل تعیین‌کننده‌ی نظم زمانی در حیات فردی و اجتماعی بوده است. مسئله‌ی اصلی در اختربینی اثر اجرام سماوی بر حیات زمینی است. ولی این حقیقت که حرکات و در نتیجه تأثیر آنها در دوره‌های زمانی و با ریتم‌های زمانی معینی ظهور می‌کند امکان ساخت و پرداخت جدول‌هایی را مهیا می‌سازد که با پارامترهای زمانی نظم یافته‌اند. تقویم‌ها نیز شامل همین جدول‌های زمانی بودند و به همین سبب به بهترین ابزار برای ارائه‌ی احکام نجومی تبدیل شدند. در عصر صفوی، اگرچه اختربینی هم‌پای دین، ضرورت‌های اداری، مالی و اقتصادی در تنظیم زمان نقش مهمی ایفا می‌کرد، اما شاید هیچ عامل دیگری در شکل دادن به برنامه‌ی زمانی جامعه‌ی صفوی به اندازه‌ی اختربینی مشخصه‌ی این عصر نباشد. حجم قابل توجه شواهدی که نقش و اهمیت تنجیم در جامعه‌ی صفوی در مقایسه با دوران پیش از آن را بازتاب می‌دهند مؤید این گفته است. موضوع این مقاله شرح و تحلیل دو مطلب مرتبط به همدیگر است: نخست، نقش احکام اختربینی در نظم امور در جامعه‌ی صفوی؛ دوم، اعتراض متشرعین به مرجعیت منجمان و تقویم‌های نجومی در صدور احکام اختربینی. بر این اساس، پرسش نخست پژوهش این است که اختربینی چگونه در نظم زمانی جامعه‌ی صفوی مؤثر بود؟

تکیه‌گاه اصلی تحلیل ارائه‌شده اهمیت تقویم‌نگاری به عنوان مهم‌ترین ابزار احکام نجومی در نظم زمانی زندگی مردم در دوره صفوی است. تقویم‌های نجومی و بعدها، با ورود متشرعین به این عرصه، تقویم‌های شرعی و رسائل اختیارات ابزار اختربینی برای تأثیر بر نظم زمانی جامعه بودند. آنچه رواج استفاده از اختربینی در تنظیم کارها را ممکن ساخت تقویم‌های متنوع و سهل‌الوصولی بودند که توسط منجمان در اختیار مردم قرار می‌گرفت. چون اولاً در این عصر شاهد رشد تولید تقویم و تنوع آنها هستیم، و ثانیاً موضوع مهم در انواع تقویم‌ها، و در مواردی مثل تقویم‌های شرعی تنها محتوای تقویم، احکام ایام بود. تقویم‌ها در کنار رسائل اختیارات پایبندی به احکام نجوم در تمام جزئیات زندگی را برای مردم ممکن می‌ساخت. در ادامه به ورود متشرعین به این بحث و نزاع آنها با منجمان بر سر انتشار تقویم نجومی پرداخته می‌شود. پرسش دوم این است که از چه

نقش اختربینی در نظم زمانی و زمینه‌ی تقویم‌نگاری احکامی متشرعین در عصر صفوی | ۱۰۷

روی برخی از متشرعین با تقویم‌های نجومی به مخالفت برخاستند و خود تقویم‌هایی حاوی احکام اختیارات ساختند، آن هم در حالی که غالباً متشرعین برجسته‌ترین مخالفان اختربینی بوده‌اند؟

شواهد نشان می‌دهد که اهمیت اختربینی در نظم زندگی مردم باعث شد که برخی از متشرعین، که پایبند پیروی از منابع شرعی و به طور خاص احادیث ائمه (ع) برای نظم زندگی بودند، ضمن مخالفت با استفاده از تقویم‌های نجومی، که حاوی احکام نجومی بودند، خود وارد این عرصه شدند و کوشیدند به یکی از شاخه‌های اختربینی به نام اختیارات وجهی شرعی بدهند. آنها احکام خود برای سعد و نحس اوقات را از احادیث منسوب به ائمه (ع) استخراج و ضمن رساله‌هایی در باب احکام شرعی اوقات یا تقویم‌های شرعی منتشر می‌کردند.

در این ماجرا، اشکال متشرعین به مرجع انتشار تقویم‌ها بود، نه نفس پایبندی به احکام نجومی برای اوقات. در برخی از رساله‌های متشرعین کراهت پیروی از تقویم منجمان به عنوان سبب تألیف ذکر شده است. اینجا مسئله‌ی مورد پژوهش زمینه‌ی ورود متشرعین به موضوع تقویم‌نگاری احکامی و چگونگی توجیه این کارشان است. بنا به یافته‌های این تحقیق، رشد اهمیت اختربینی در نظم زمانی زندگی باعث افزایش اهمیت تقویم در مقام مهم‌ترین رسانه‌ی این کار شده بود. تقویم‌ها توسط منجمان تولید و منتشر می‌شدند و طبیعتاً مقام منجمان نیز همراه تقویم ارتقاء می‌یافت. رشد توجه به تقویم‌های نجومی در این دوره که به خاطر احکام روزانه‌ی مندرج در آنها بود نیز پای متشرعین را به قضیه‌ی تقویم نجومی باز کرد.

۱. چیستی اختربینی و اهمیت آن در عصر صفوی

در قدیم، جهان فوق قمر (عالم افلاک) نه تنها معیارهای قابل قبولی برای سنجش زمان در اختیار بشر می‌گذاشت، بلکه علت اصلی حرکات (کون و فساد) عناصر اربعه عالم تحت قمر (آب، آتش، خاک، هوا) نیز دانسته می‌شد، و تأثیر اجرام سماوی بر حوادث عالم سُفلی این گونه فهمیده می‌شد. این اصل در طبیعیات سده‌های میانه یکی از پایه‌های نظری

اختربینی بود. اختربینی مطالعه‌ی اثر حرکات اجرام سماوی (ماه، عطارد، زهره، خورشید، مریخ، مشتری، زحل، ثوابت و گاه عقدتین ماه) بر جهان تحت قمر است. نظام نیشابوری قمی (د. ۷۲۸ ق.) نیز، در مقدمه کشف حقایق زیج ایلخانی، یکی از جهات شرافت کواکب و افلاک بر دیگر محسوسات (که مبنای شرافت علم نجوم نیز هست) را این می‌داند که «مرکبات عالم سُفلی معلول تأثیرات ایشان‌اند، یاذن مبدع ایشان».^۱ فیزیک ارسطویی نیز، به صورت تعدیل‌شده‌ی آن با مفاهیم نوافلاطونی، پایه‌ی توصیف چگونگی تأثیر مذکور بوده است. از این طریق است که نقش تأثیرات اجرام سماوی بر تغییرات آینده و حتی طریق اعمال اراده‌ی خداوند (نه فقط در اسلام) توجیه می‌گردد. به گفته‌ی پینگری، اختربینی در این شکل نمی‌توانسته پیش از عصر یونانی مآبی وجود داشته باشد.^۲

مهم‌ترین کاری که از اختربینی انتظار می‌رفت پیش‌بینی آینده بود، و قدرت و تأثیرگذاری آن در همین فرض نهفته بود که با قواعد آن می‌توان از تغییرات پیش‌رو و نتیجه‌ی انتخاب‌ها و کارهای بشر آگاه شد. فارابی در *احصاء العلوم* علم احکام نجوم را، که یکی از دو قسم «علم نجوم» است، چنین تعریف می‌کند که «علم دلالت‌های کواکب است بر حوادث آینده و بسیاری از چیزهایی که اکنون موجود است و نیز بسیاری از حوادث گذشته»، و انسان به وسیله‌ی علم احکام نجوم از حوادث آینده باخبر می‌شود.^۳ چنین باوری در سراسر عصر میانه‌ی تاریخ ایران رواج داشت.^۴ ملا هادی سبزواری، فیلسوف

۱. حسن بن محمد نظام اعرج نیشابوری، *کشف الحقایق زیج ایلخانی*، نسخه خطی شماره‌ی ۳۵۷۹ مجلس، کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی، ص. ۲ [صفحات این نسخه شماره‌گذاری مرتبی دارد]. دو علت دیگر شرافت آنها: «هم از آن جهت که رتبت ایشان در وجود اقدم است از دیگر محسوسات، و هم از آن جهت که محیط‌اند به سایر اجسام» (همان).

2. David Pingree, (1974), "Astrology", in: *Dictionary of the History of Ideas: Studies of Selected Pivotal Ideas*, Vol. 1, by Philip P. Wiener (ed), New York: Charles Scribner's Sons, p. 118.

۳. محمد بن محمد فارابی، (۱۳۸۹)، *احصاء العلوم*، ترجمه‌ی حسین خدیوچم، تهران: علمی و فرهنگی، ص.

۸۴.

۴. به گفته‌ی واندروردن یکی از مبادی تاریخی اختربینی باور به منشأ آسمانی روح است و این اصل از باورهای ایرانیان اقتباس شده است. در مورد نقش باورهای دینی ایرانی در رشد اختربینی، نک. بارتل لیندرت و اندروردن، (۱۳۷۲)، *پیدایش دانش نجوم*، ترجمه‌ی همایون صنعتی‌زاده، تهران: مؤسسه مطالعات و

نقش اختربینی در نظم زمانی و زمینه‌ی تقویم‌نگاری احکامی متشرعین در عصر صفوی | ۱۰۹

عصر قاجار، در *اسرار الحکم*، «علم منجم به امور مستقبله از اوضاع سماویه» را از اقسام علم حصولی می‌خواند.^۱

نقش زمان در رابطه‌ی حرکات سماوی و تأثیر آنها را می‌توان این گونه خلاصه کرد:

الف. اثر اجرام سماوی بر عالم تحت قمر در جریان زمان رخ می‌دهد،

ب. این آثار با ریتم‌های زمانی منظم و قابل پیش‌بینی رخ می‌دهند.

حاصل این دو مقدمه ساخت جدول‌هایی بود که نظم زمانی تأثیرات سماوی را مشخص می‌کردند. چنین جدول‌هایی در عصر صفوی بیش از هر رسانه‌ی دیگری در تقویم‌ها دیده می‌شود. یکی از کارکردهای - و شاید مهم‌ترین کارکرد - تقویم‌ها در عصر صفوی آگاهی از احکام نجومی در سال پیش رو بود. در این فضا، هر گونه تغییر و تحول و هر کاری، از لباس نو پوشیدن تا درمان بیماری و کشاورزی، در حوزه‌ی تأثیر افلاک قرار می‌گرفت. برای همین، حتی در طب و کشاورزی نیز مباحث اختربینی وارد شده است.^۲ آنچه تحت عنوان نزاع متشرعین با منجمان بر سر تقویم بررسی خواهد شد نیز اهمیت تقویم (و در اصل کنترل زمان) در حیات جامعه (حداقل در شهرهای بزرگ) را نشان می‌دهد.

شواهد توسل به اختربینی و ساعت دیدن در امور سیاسی و نظامی در عصر صفوی، که بیش از حوزه‌های دیگر انتظار عمل‌گرایی و واقع‌بینی می‌رود، فراوان است. اختیار ساعت برای جلوس شاه معمول‌ترین مورد آن است. به گفته‌ی جناب‌دی، مولانا مظفر گنابادی تنها با تعیین طالع از قضیه‌ی خیانت صفی میرزا اطلاع یافت.^۳ در یک مورد شاه عباس لحظه‌ی

تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه)، صص. ۱۹۵، ۲۰۴-۲۰۵، ۲۰۹، ۲۵۵. در ترجمه‌ی فارسی «اخترشناسی» به جای اختربینی به کار رفته است.

۱. ملاهادی سبزواری، (۱۳۸۳)، *اسرار الحکم*، قم: مطبوعات دینی، ص. ۱۳۸. سید حسین نصر بسیار می‌کوشد تا اصالت قصد پیشگویی در اختربینی یا احکام نجوم را رد کند و در واقع این علم سنتی را از این اتهام تطهیر کند (نک. نظر متفکران اسلامی درباره‌ی طبیعت، صص. ۱۳۳-۱۳۶).

۲. ژینیو مدعی است در کتاب صیدنه‌ی سریانی، که مربوط به قرن دوم میلادی و حاوی حداقل چهارصد نسخه‌ی پزشکی است، یک بخش کامل به اختربینی اختصاص یافته است (*انسان و کیهان در ایران باستان*، ص. ۸۷).

۳. میرزاییگ جناب‌دی، (۱۳۷۸)، *روضه‌الصفویه*، به کوشش غلامرضا طباطبائی مجد، تهران: بنیاد موقوفات افشار، ص. ۸۵۲.

شروع نبرد را به رأی منجم در اختیار ساعت موقوف داشت.^۱ فرستاده‌ی شاه عباس به دربار عادلشاه دکنی در شیراز «چند روزی به جهت اختیار ساعت در رفتن تأخیر نموده بود و موسم سفر دریا در این سال گذشته نتوانست رفت».^۲ ابونصر هروی در *ارشاد الزراعه* (تألیف ۹۲۱ ق.) بر اهمیت تعیین ساعت در کار زراعت تأکید می‌کند.^۳ این که در این موارد اصل ماجرا چیز دیگری بوده یا خیر مهم نیست؛ مهم فرهنگ جامعه‌ای است که این گونه دلایل را در شرایط مذکور موجه و قابل قبول می‌داند.

این که چرا در عصر صفوی اختربینی در عرصه‌ی اجتماعی و سیاسی نقش پررنگ‌تری یافت (اگر این قید درست باشد)، موضوع این تحقیق نیست. مهم برای ما این واقعیت است که تأثیرات فلکی قابل پیش‌بینی شمرده شده و پیش‌بینی آن نیز با رصد ریتم‌های زمانی انجام می‌شد. مهم‌ترین ابزار سامان‌دهی احکام اوقات مختلف سال و ماه و روز نیز تقویم بود، سالنامه‌هایی که هر سال به تعداد زیاد با فرم و محتوا و قیمت‌های مختلف تهیه و منتشر می‌شدند.

۲. اهمیت تقویم برای سامان زندگی بر مبنای اختربینی در عصر صفوی

اختربینی با چه رویه‌ای می‌توانست در تنظیم زندگی مردم اثرگذار باشد؟ کاوش در این مسیر کار مشکلی است و آسان نیست بفهمیم که سازوکارهای اجتماعی آن چگونه بوده است.^۴ اما یکی از بهترین سندها برای شناخت این فرهنگ تقویم‌ها هستند. تقویم منبع

۱. همان، ص. ۸۶۹.

۲. اسکندر بیگ ترکمان، (۱۳۸۲)، *تاریخ عالم آرای عباسی*، زیر نظر ایرج افشار، تهران: امیرکبیر، ص. ۸۶۶.

۳. قاسم بن یوسف ابونصری هروی، (۱۳۴۶)، *ارشاد الزراعه*، تصحیح محمد مشیری، تهران: دانشگاه تهران، ص. ۵۹.

۴. دایره‌ی معارفی که به غیب‌گویی یا پیشگویی آینده می‌پرداختند بسیار گسترده بود، مثل رمالی و فالگیری. اختربینی تنها یکی از این امور است. برای گزارش مختصری از این امور در عصر صفوی، نک. ژان باتیست تاورنیه، (۱۳۸۳)، *سفرنامه‌ی تاورنیه*، ترجمه‌ی حمید ارباب شیروانی، تهران: نیلوفر، صص. ۱۸۴-۱۸۶.

نقش اختربینی در نظم زمانی و زمینه‌ی تقویم‌نگاری احکامی مشرعین در عصر صفوی | ۱۱۱

مناسبتی برای شناخت مواردی است که فرض می‌شد برای آنها باید از احکام نجومی پیروی کرد، هرچند شاید در عمل همه را به کار نمی‌بردند. محور اهمیت تقویم‌ها در ایران عصر صفوی احکام نجومی مندرج در آنها و داده‌های نجومی‌ای بود که به کار اختربینی می‌آمدند. توجیه قابل قبول دیگری برای استفاده‌ی مردم عادی و غیر اهل نجوم از جداول متعدد تقویم‌ها برای وضعیت کواکب وجود ندارد. از نظر سیاحان اروپایی نیز علت رواج تقویم در جامعه‌ی صفوی باور به اثر اجرام سماوی در امور ریز و درشت زندگی مردم بوده است.^۱

جدول ۱. فهرست تقویم‌های عصر صفوی (همه به افق اصفهان و به نام شاه صفوی تنظیم شده‌اند)

ردیف	سال تنظیم تقویم	نام مؤلف	توضیحات	اطلاعات تقویم
۱	۱۰۲۹ ق.	نامعلوم	دیبچه ناقص	نسخه‌ی شماره‌ی ۶۱۷۱ مجلس شورای اسلامی
۲	۱۰۷۷ ق.	نامعلوم	بازنویسی شاردن از آن موجود است.	شاردن تقویم این سال را به فرانسه ترجمه و در سیاحتنامه‌ی خود منتشر کرد. در دو ترجمه‌ی فارسی سفرنامه‌ی شاردن بخش‌هایی از آن حذف شده است. ^۲

۱. برای نمونه، سیاحتنامه‌ی شاردن، ج. ۵، ص. ۱۸۶؛ پیترودلاواله، (۱۳۷۰)، سفرنامه‌ی پیترودلاواله، ترجمه‌ی شجاع‌الدین شفا، تهران: علمی و فرهنگی، ص. ۵۰ (در این مورد با توجه به معنای متن، ستاره‌شناسی نمی‌تواند معادل درستی باشد و ترجمه‌ی صحیح «اختربینی» یا «ستاره‌بینی» است).
 ۲. نک. سیاحتنامه شاردن، ج. ۵، ص. ۱۸۶ به بعد؛ ژان شاردن، (۱۳۷۲)، سفرنامه شاردن، ترجمه‌ی اقبال یغمایی، تهران: توس، ج. ۳، ص. ۱۰۰۷ به بعد؛ مقایسه شود با:

Sir John Chardin, (1811), *Voyages du Chevalier Chardin en Perse et autres lieux l'orient*, Paris: Le Normant, Imprimeur-Libraire, Vol. 4, p. 358.

ردیف	سال تنظیم تقویم	نام مؤلف	توضیحات	اطلاعات تقویم
۳	۱۰۸۵ ق.	محمدجعفر بن محمدمقیم منجم جنابدی	نسخه اصل و کامل است.	نسخه‌ی شماره‌ی suppl. PERS. 376 کتابخانه‌ی ملی فرانسه. این تقویم احتمالاً تنها نسخه‌ی کامل از میان تقویم‌های باقی‌مانده‌ی صفوی است
۴	۱۱۰۳ ق.	محمدکافی بن ابوالحسن قائنی - محمدشرف منجم	دو نسخه تقویم از دو مؤلف برای این سال استنساخ شده، دیباچه و برخی اوراق تقویم‌ها ناقص است.	هر دو مورد در نسخه‌ی ۳۵۸ (مجموعه‌ی ۵ تقویم) از مجموعه‌ی سلطانی کتابخانه‌ی مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی قرار دارند
۵	۱۱۰۷ ق.	محمدحسین بن ابوالحسن منجم گنابادی	استنساخ شده و دیباچه‌ی تقویم ناقص.	در نسخه‌ی ۳۵۸ از مجموعه‌ی سلطانی بنیاد دائرةالمعارف بزرگ اسلامی
۶	۱۱۳۰ ق.	نامعلوم	از پایان ناقص است.	نسخه‌ی شماره‌ی ۵۸۹۹ کتابخانه‌ی ملی ملک.

گذشته از تطبیق گاه‌شماری‌ها و ذکر مناسبت‌ها (توقیعات)، بخش عمده‌ی اطلاعات تقویم‌های صفوی مربوط به مواضع کواکب بود. احکام نجومی هم در تمام بخش‌های تقویم دیده می‌شود. بر مبنای مطالعه‌ی تعدادی از تقویم‌های باقی‌مانده از عصر صفوی که در جدول ۱ فهرست شده، مباحث اختربینی تقویم‌ها در چهار دسته قرار می‌گیرند که البته ترتیب قرار گرفتن آنها (بیشتر در مورد جداول اختیارات) گاه تغییر می‌کرد:

الف. اول پیش‌بینی‌هایی در مورد امور مختلف بود: احوال و مزاج شاه، وضع سرحدات در سال آینده و اقدامات شاه در امور قشون و ارسال سفیران، وضع محصول، گاه برای

نقش اختربینی در نظم زمانی و زمینه‌ی تقویم‌نگاری احکامی مشرعین در عصر صفوی | ۱۱۳

شهرهای مختلف، وضع آب‌وهوا و بارش و خشکی، مرگ‌ومیر، بیماری، احوال مملکت عثمانی و هند و... این اطلاعات در دو قسمت از تقویم ارائه می‌شد: اول اوضاع کلی برای تمام سال، که در دیباچه تقویم می‌آمد، و دوم، همان موضوع برای هر ماه جلالی به تفکیک می‌آمد، که در سرصفحه‌ی هر یک از اوراق دوازده‌گانه ذکر می‌شد.

ب. جداول اختیارات که محورش نیک و بد ایام و اوقات برای امور مختلف (از شیر دادن نوزاد تا تعیین وقت جنگ) است.

ج. بعضی از اطلاعات موضع اجرام سماوی مثل انتقالات قمر، نمودارهای طالع خورشید و اجتماع و استقبال قمر، ساعات بست و اجرام سماوی موهومی مثل سکزیولدوز که صرفاً کاربرد احکامی داشتند.

د. ذکر گاه‌شماری یزدگردی در صفحه‌ی راست و چپ هر ورق، که تنها استفاده احکامی داشته است.

شواهدی که سیاحان ارائه می‌دهند نیز محک خوبی برای سنجش فرض ما در اهمیت تقویم‌ها برای سامان زمان زندگی اجتماعی به کمک اختربینی است. شاردن در این موضوع دو نکته‌ی مهم مرتبط با این موضوع دارد. نخست، برداشت او این است که ذکر احکام نجومی در تقویم با این قصد انجام می‌شد که «روش زندگی اشخاص مطابق آن اختیار شود»^۱. دوم این که صراحتاً اختربینی را دلیل تقویم‌نگاری دانسته و تقویم را در شکل دادن به حیات جامعه حتی همسنگ قرآن یافته است: «هر کسی که توانایی خرید یک نسخه تقویم را دارد آن را ابتیاع می‌کند و اکثر مردم زندگی خود را از روی احکام و اختیارات نجومی آن تنظیم می‌کنند به طوری که در زندگانی جامعه تقویم حکم قرآن را پیدا کرده است»^۲. این شواهد با سخنان تاورنیه در مورد علاقه‌ی مردم به آگاهی از آینده، اختربینی و استفاده از تقویم برای ساماندهی به کارها در میان مردم تأیید می‌شود:^۳ «ایرانیان عموماً

۱. سیاحتنامه‌ی شاردن، ج. ۵، ص. ۱۷۸.

۲. همان، ص. ۱۸۵.

۳. این مطلب از ترجمه شیروانی گرفته شده و با مقابله با متن فرانسه‌ی چاپ ۱۶۷۶ و ترجمه‌ی انگلیسی چاپ ۱۶۷۸ کمی تصحیح شده است.

بسیار پی جوی آگاهی از آینده هستند ... هر سال در ایران سالنامه‌هایی می‌فروشند که تقویم می‌نامند ... و هر کس یکی از آنها را داشته باشد همه‌ی کارهایش را بنا بر قواعد آن تنظیم می‌کند»^۱.

گذشته از نظر سیاحان در مورد اهمیت اختربینی در زندگی مردم و نسبت آن با رواج تقویم، بحث‌هایی که در همین عصر میان متشرعین در مورد تقویم‌های نجومی و مشروعیت منجمان و ابزارهای آنها برای انتشار تقویم در گرفته بود خود شاهده‌ی از درون جامعه‌ی صفوی برای اهمیت اجتماعی بخش اختربینی تقویم‌ها در تنظیم زندگی مردم است.

۳. نزاع متشرعین با منجمان و زمینه‌ی نظری ظهور تقویم‌ها و اختیارات شرعی در ایران صفوی، منجمان مسئول نگهداری حساب زمان و به اصطلاح متخصص این کار بودند.^۲ اما اهمیت اختربینی در فرهنگ و جامعه‌ی این عصر باعث شد که مقام منجمان از دربار شاهان و رصدخانه‌هایی که هر چند صد سال یک بار برپا می‌شدند فراتر رود. مهم‌ترین کاری هم که در این رابطه انجام می‌دادند انتشار تقویم بود. منجمان هر سال برنامه‌هایی (به صورت تقویم سالانه) منتشر می‌کردند و مردم هم بر اساس آنها امور خرد و درشت زندگی خود را تنظیم می‌کردند. اما این که این گروه تا چه اندازه شرایط بهره‌برداری از این موقعیت برای افزایش نفوذ اجتماعی خود را داشتند و یا این که عملاً تا کجا پیش رفتند بر ما روشن نیست. ظاهراً بهترین موقعیتی که یک منجم در عصر صفوی ممکن بود به دست آورد استخدام در دربار بود. شاردن نیز به حقوق‌های کلان منجمان دربار اشاره

۱. سفرنامه‌ی تاورنیه، صص. ۲۸۴-۲۸۵؛

Jean Baptiste Tavernier, (1676), *Les six voyages de Jean Baptiste Tavernier*, Paris: Gervais Clouzier & Claud Barbin, pp. 621-622; Idem, (1678), *Voyages of John Baptista Tavernier*, made English by J. P., London: John Starkey, pp. 234-235.

۲. در مورد این نقش در اسلام و ایران صفوی، نک.

Stephen P. Blake, (2013), *Time in Early Modern Islam*, Cambridge University Press, pp. 10-12, 52-56.

ولی مثلاً کشاورزان یا مؤذنان در نواحی کوچک در تنظیم کار خود به آنها دسترسی نداشتند. پس عادات و رسوم قدیمی و دستورالعمل‌های ساده تعیین وقت راهنمای آنها بوده است. از این نظر نباید در تعمیم روش‌های پیچیده و علمی زمان‌سنجی زیاده‌روی کرد. اینها محدود به طبقات یا شهرهای بزرگ بودند.

کرده است.^۱ در ادامه به نزاعی اشاره می‌شود که گویای حساسیت حرفه‌ی منجم در استخراج تقویم است که خود از اهمیت تقویم در نظم زندگی مردم ریشه می‌گرفت. ورود علمای دین و متشرعین در موضوع احکام نجومی در عصر صفوی را می‌توان نزاعی میان متشرعین و منجمان بر سر این دانست که منبع استخراج احکام نجوم برای ارزش‌گذاری اوقات و ایام و اختیارات از چه منبعی و توسط چه کسی باید انجام گیرد. این مسئله در لابه‌لای آثار باقیمانده از این دوره قابل شناسایی است. تا جایی که به شواهد مکتوب موجود مربوط می‌شود، این نزاع یک‌طرفه و از سوی متشرعین علیه منجمان بوده است، و شاهدی که واکنش منجمان را ثبت کرده باشد در دست نیست. در زمینه‌ی این برخورد، علمای مذکور برخی از شاخه‌های مختص احکام نجوم را جدا کردند و برای آنها توجیه شرعی یافتند، ولی انتساب صحت این امور به پدیده‌های سماوی را رد کردند و درستی آنها را به سبب توصیه‌ی ائمه (ع) در احادیث منسوب به ایشان دانستند، نه نظرات و محاسبات منجمان. در اینجا نیز، به سبب استفاده از توجیه شرعی، از آنها که درگیر این قضیه بودند با عنوان متشرع یاد می‌شود، که لزوماً به عنوان عالم دین شناخته نمی‌شدند. متشرعین، در تقابل با منجمان، احکام نجوم را به احکام ایام فروکاستند، چون ارزش ایام را به خاطر آثاری که به قول منجمان از اجرام سماوی بر عالم تحت قمر صادر می‌شود قابل اعتنا و پیروی نمی‌دانستند، حداقل این که معتقد بودند منجمان قادر به دریافت چنین رابطه‌ای و چگونگی آثار آن نیستند. حرفشان این بود که احکام ایام را باید از احادیث استخراج کرد، نه از تقویم منجمان. پس گروهی دست به تألیف رسالاتی با عنوان کلی تقویم شرعی زدند که برنامه‌ی احکام هر روز از سال را بر اساس احادیثی که به ائمه (ع) منتسب بود تنظیم می‌کرد. نمونه‌های توسعه‌یافته‌ی این تقویم‌ها بسیار شبیه بخش احکامی تقویم‌های نجومی بودند، با این تفاوت که سال به سال تهیه نمی‌شدند.

۱. سیاحتنامه‌ی شاردن، ج. ۵، صص. ۱۸، ۱۲۷-۱۲۸. در مورد وظایف او، نک. محمدسمیع میرزا سمیع، (۱۳۷۸)، تذکره‌الملوک و سازمان‌اداری حکومت صفوی، مترجم مسعود رجب‌نیا، تهران: امیرکبیر، ص. ۲۰.

شکل ساده‌ی این رسالات، مانند رساله *احکام الايام الشهر منسوب به امام صادق (ع)*^۱، تنها احکامی را برای سی روز ماه قمری و نه به تفکیک ماه‌های مختلف ذکر می‌کرد. رساله‌ی مذکور، که از منابع رایج این عصر برای ترتیب جداول اختیارات شرعی بود، احکام اختیار اعمال و نیز سبب آن را برای ۳۰ روز یک ماه قمری بیان کرده است. سادگی آن از این روست که حتی تفاوتی میان ماه‌ها قائل نشده است.

بخشی از مهم‌ترین اظهارات در باب این موضوع را می‌توان در *تقویم المحسنین* یا *احسن التقویم*^۲ تألیف ملا محسن فیض کاشانی (۱۰۰۷-۱۰۹۰ ق.) یافت. فیض کاشانی در این زمینه سه رساله‌ی تقریباً مشابه نگاشته است: *غنیة الأنام فی معرفة الايام و الساعات*، *تقویم المحسنین* یا *احسن التقویم*، و *معیار الساعات*. *تقویم المحسنین* در شناخت سعد و نحس ساعات و ایام نگاشته شده است. در این کتاب اقوالی که پشتیبان حدیثی دارند شرعی و معتبر شناخته می‌شوند و آنچه در خارج این چارچوب قرار می‌گیرد تخمین و حدسیات منجمان و غیرقابل اعتنا شمرده شده است. به گفته‌ی خودش، *تقویم المحسنین* را برای روشن شدن عامه‌ی مردم از عبارات خرافی *تقویم المنجمین* سید محمد منجم لاهیجی نوشته است:

وقتی دیدم که جمع کثیری از خواص ائام، که در علم بر دیگران افضل‌اند، در ملاحظه‌ی ساعات و ایام در بسیاری از مطالب و امور به تقویم‌هایی که منجمین تدوین کرده‌اند مراجعه می‌کنند، و به آنچه در احادیث از ائمه کرام در باب

۱. نسخه مجلس از این اثر در صفحات ۴۷۱ تا ۴۸۰ از مجموعه شماره ۱۰/۷۷۷ ط مجلس شورای اسلامی قرار دارد. این رساله را یونگ و /بید از روی نسخه‌ای در لیدن با تصحیح قیاسی با این مشخصات منتشر کرده‌اند:

R. Y. Ebied and M. J. L. Young, "A Treatise on Hemerology Ascribed to Ġa'far al-Sādiq", *Arabica*, T. 23, Fasc. 3, Sep. 1976.

البته این چاپ مورد انتقاد قرار گرفته است، نک.

J. J. Witkam, "An Arabic Treatise on Hemerology Ascribed to Ga'far al-Sādiq", *Arabica*, T. 26, Fasc. 1, Feb. 1979.

۲. کتاب در یک مقدمه و یک فصل، ۱۶ جدول، یک تکمله، نصیحت و خاتمه تدوین شده است. فیض نخست این کتاب را *تقویم المحسنین* و سپس *احسن التقویم* نامید، نک. محسن ناجی نصرآبادی، (۱۳۸۷)، *کتابشناسی فیض کاشانی*، تهران: مدرسه عالی شهید مطهری، ص. ۱۶۸.

نقش اختربینی در نظم زمانی و زمینه‌ی تقویم‌نگاری احکامی متشرعین در عصر صفوی | ۱۱۷

احکام نیک و بد ساعات و ایام روایت شده التفات نمی‌کنند، پس رساله کاملی با حسن ترتیب و نظام مشتمل بر خلاصه‌ای از آنچه از احادیث و روایات در این باب وارد شده تألیف کردم، و این احکام با تغییر ماه‌ها و سال‌ها تغییر نمی‌کنند [بر عکس تقویم نجومی که باید هر سال تجدید شود] ... و آن را ناسخ تقویم منجمین قرار دادم.^۱

میرمحمد صالح خاتون‌آبادی (۱۰۵۸-۱۱۲۶ ق.)، فقیه و محدث^۲ عصر صفوی، نیز رساله‌ای با عنوان *انوار مشرقه*^۳ دارد که آن را در ۱۱۰۹ ق. به امر شاه سلطان حسین، در باب مقام و موقعیت علم نجوم در احادیث ائمه (ع) و نظر علمای دین در باب آن نوشته است. *انوار مشرقه* منبع مهمی برای شناسایی جزئیات موضع متشرعین در مقابل منجمان است.^۴ باید یادآوری کنیم که کانون این مباحث در واقع تقویم‌هایی است که منجمان منتشر می‌کردند، و چنان که از فیض کاشانی نقل شد، اقبال عموم به این تقویم‌ها باعث نگرانی متشرعین شده بود.

خاتون‌آبادی می‌پذیرد که نجوم و تنجیم علوم حقیقی هستند، ولی معرفت کامل به احکام نجوم را مخصوص انبیاء و ائمه می‌داند و بهره‌ی منجمان از این علم را بسیار کم می‌داند.^۵ به گفته‌ی او، از نظر شرع، روزهای ماه قمری است که فضیلت و حرمتی دارند و در آنها موقعیت خورشید، که مبنای محاسبات منجمان است، مدخلیتی ندارد. از اینجا نتیجه

۱. ملا محسن فیض کاشانی، (۱۳۱۵)، *تقویم المحسنین و احسن التقویم*، بی‌جا: بی‌نا، ص. ۳.

۲. شاگرد محمدباقر مجلسی که پس از درگذشت وی امام جمعه و شیخ‌الاسلام اصفهان شد.

۳. از این رساله تنها دو نسخه‌ی خطی شناخته شد: نسخه‌ی ۱۷۴۵۰ کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه اصفهان و نسخه‌ی ۵۱۸۳ کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی. در اینجا فقط به نسخه‌ی مجلس ارجاع داده می‌شود.

۴. رسول جعفریان در مقاله‌ای به معرفی این کتاب پرداخته و رئوس مطالب آن را شرح داده است، ولی به نزاع متشرعین با منجمان، به مثابه‌ی پدیده‌ای خاص این عصر، که منجر به تألیف این کتاب شده اشاره‌ای نکرده است، نک. رسول جعفریان، (۱۳۸۹)، «دیدگاه علمای عصر صفوی درباره احکام نجومی و سعد و نحس ایام»، *پیام بهارستان*، س. ۳، ش. ۱۰ (دوره جدید).

۵. میرمحمد صالح خاتون‌آبادی، *انوار مشرقه*، نسخه‌ی خطی شماره‌ی ۵۱۸۳ مجلس، تهران: مجلس شورای اسلامی، فریم ۲۱.

می‌گیرد که از میان کواکب تنها ماه است که سعد و نحس ایام را تعیین می‌کند، و باقی کواکب دخلی در این کار ندارند.^۱ نظم نحوست و شرافت ایام هفته که ترتیبشان ارتباطی با مواضع کواکب ندارد نیز دلیل دیگری است بر این که «مدار بر ایام ماه [قمری] و هفته است و اوضاع کواکب را دخلی نیست».^۲

خاتون‌آبادی می‌پذیرد که ایام از نظر شرع حرمت و شرافت یا نحوست و سعادت دارند، ولی نمی‌پذیرد که نظم آنها به آن ترتیبی است که منجمان می‌گویند. حتی به نظر می‌رسد که برای کم‌رنگ کردن نقش منجمان است که تأثیر کواکب را به چالش می‌کشد. او حتی استخراج موالید^۳ را امری شرعی و توصیه‌شده می‌داند و روش شرعی استخراج موالید را هم شرح می‌دهد که البته با روش منجمان متفاوت است.^۴ به این ترتیب او دامنه‌ی شرع را تا احکام موالید و ایام گسترش می‌دهد و هرچه بیشتر منجمان را از این حدود عقب می‌راند.

وی نظرات موافق و مخالف نجوم را از احادیث ائمه استخراج کرده و مورد بحث قرار داده است، اما تمایزی میان نجوم به معنای مطالعه‌ی کواکب و سیارات و تنجیم یا علم به احکام نجوم قائل نشده است. این عدم تمایز از آن رو بوده که مخالفان نجوم اساساً امکان علم به اجرام سماوی را، که خارج از دسترس بشر هستند، چه برای علم به بعد و حجم کواکب باشد (اخترشناسی) و چه برای فهم اثرشان بر حوادث عالم خاکی (اختربینی)، مورد شک قرار می‌دادند.^۵ گذشته از این، استفاده‌ی انحصاری از نجوم در این دوره برای

۱. همان، فریم ۲۷-۲۸. شاردن هم به این موضوع اشاره می‌کند که «مأخذ اصلی استخراج احکام نجومی قمر است و اثر آن را بیشتر از سایر سیارات می‌دانند» (سیاحتنامه‌ی شاردن، ج. ۵، صص. ۱۷۸-۱۷۹).

۲. انوار مشرقه، فریم ۲۵-۲۶.

۳. شاخه‌ای از اختربینی که از طالع فرد احکامی جزمی درباره‌ی زندگی او استخراج می‌شود. موالید از بحث‌انگیزترین مسائل اختربینی و کانون بسیاری از انتقادات بوده است. در جهان اسلام هم مخالفت شدیدی به ویژه با موالید شد. به گفته‌ی پینگری، سران مخالفان عموماً از رهروان اندیشه نوافلاطونی و شیعیان به ویژه اسماعیلیان بودند، نک.

"Astrology", p. 123.

۴. انوار مشرقه، فریم ۲۶-۲۷.

۵. فرق است میان اعتقاد به اثرگذاری اجرام سماوی بر عالم تحت قمر، و این که این آثار به همان صورتی است که در احکام نجوم بحث می‌شود، یا منجمان در تقویم‌ها پیش‌بینی می‌کنند.

اختربینی نیز مرز این دو را آشفته ساخته بود.

خاتون‌آبادی از میان علمای هم‌عصر خود که مخالف احکام نجوم بودند تنها به ملا خلیل نامی اشاره کرده و می‌گوید این برای رعایت اختصار است، وگرنه دیگرانی هم مخالف این امر بوده‌اند. اما فهرست نام موافقان نشان می‌دهد که احتمالاً آن دیگران هم در برابر موافقان وزنه‌های سنگین‌تری نبوده‌اند: شیخ بهائی، میرداماد، علامه مجلسی، فیض کاشانی و محقق سبزواری از جمله‌ی موافقان بودند. البته کسانی چون فیض بیشتر موافق اختیار ساعات و ایام بر حسب احادیث بودند، نه احکامی که منجمین استخراج کرده باشند. در پایان مؤلف لب کلام در این دعوا را از قول مجلسی می‌آورد: «آیا جایز است با این اعتقاد تقاویم نویسند و اخبار کند به احکامی که ازین علامات می‌فهمد یا جایز نیست؟» و پاسخ مجلسی این است که روایات مختلفی در جواز و رد این امر وجود دارد و البته اکثر روایات جواز به لحاظ اسناد ضعیف هستند. از نظر او، برای جمع این احادیث متفاوت باید روایت جواز را از روی تقیه دانست و روایات عدم جواز را نیز باید حداقل حمل بر کراهت شدید این کار کرد و نوشتن تقاویم و احکام را مکروه دانست. خاتون‌آبادی این را «مخ حقیقت و عین صواب» می‌داند.^۱ به این ترتیب هر گونه ورود به این امور، قاعدتاً جز به صورت نوشتن رسالات اختیارات و تقاویم شرعی، حداقل کراهت شدید خواهد داشت.

این اصل سخن کسی است که خود نیز تقویمی شرعی در اختیارات تألیف کرده است:

گمان این حقیر این است که اگر کسی توکل خود را کامل گرداند و اعتنا به شأن تقاویم و ساعات نجومی نکند و به رساله‌ی اختیاراتی که استادی [علامه مجلسی] نوشته‌اند، و آنچه از احادیث ظاهر می‌شود در باب نیک و بد ایام هفته و ماه بیان نموده‌اند، رجوع نماید، اولی و احوط خواهد بود.^۲

۴. تقویم شرعی متشرعین

تقویم شرعی چیزی نبود جز مجموعه جدول‌هایی حاوی احکام سعد و نحس روزها و

۱. انوار مشرقه، فریم ۱۲۵-۱۲۶.

۲. همان، فریم ۱۳۰.

ماه‌های مختلف قمری (اختیارات)، که از احادیث منسوب به ائمه استخراج می‌شد. مؤلفان تقویم شرعی قائل به نیک و بد ایام و نیز مناسبت هر وقتی برای کاری خاص هستند، ولی این ارزش‌ها با وضع کواکب توجیه نمی‌شود، حتی اگر چنین ارتباطی را هم بپذیرند. گردآورندگان چنین تقویم‌هایی درستی پیروی از احکام آن را با استناد به احادیث ائمه توجیه می‌کردند. یک نمونه از این تقویم‌ها که عنوان تقویم شرعی دارند *تقویم لطفی* (نوشته‌ی اواخر قرن ۱۱ ق.) است که توسط لطف‌الله بن حسین شیرازی تنظیم شده و نویسنده‌ی آن مدعی ساختن «تقویم شرعی» است، «تقویمی همه‌ساله» که «مناسب شرع شریف نبوی» و «از روی احادیثی که واردست از ائمه‌ی معصومین ... در باب اختیارات ایام هر ماه»^۱.

نمونه‌ی دیگر «تقویم شرعی» خاتون‌آبادی است. این رساله در واقع صورت مختصر اثر دیگری از او با عنوان *تقویم المؤمنین* است. وی در آغاز *تقویم شرعی* تفاوتی میان ساعات شرعی، که مراعاتش لازمه‌ی ایمان است، و ساعات نجومی، که ترک ملاحظه‌ی آن طریقه‌ی مؤمنان است، قائل شده است. این صراحت در تمایز این دو نشانه‌ی عمق تلاش برای پس راندن منجمان از عرصه‌ی اختربینی اجتماعی است:

چون مراعات ساعات شرعی و ترک ملاحظه‌ی ساعات نجومی از لوازم ایمان و طریقه‌ی مرضیه‌ی مؤمنان است و این حقیر کیفیت استخراج نیک و بد ساعات شرعی را در کتاب *تقویم المؤمنین* برای ارباب ایمان و اصحاب ایقان به بسط و تفصیل تمام ایراد نموده‌ام ... به خاطر فاطر رسید که جداولی چند شبیه *تقاویم* اهل تنجیم وضع نماید تا قاصرهمّتان و مستعجلان به این جداول رجوع نموده، حال هر روز و شب را در غایت سهولت و نهایت آسانی معلوم کنند، ... و این جداول را به *تقویم شرعی* موسوم گردانید.^۲

۱. لطف‌الله بن حسین شیرازی لطفی، *تقویم لطفی*، نسخه‌ی خطی شماره‌ی ۱۶۲۱۷/۶ مجلس، تهران: کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی، فریم ۳۴.

۲. محمدصالح بن عبدالواسع حسینی خاتون‌آبادی، *تقویم شرعی*، نسخه‌ی خطی شماره‌ی ۱۵۸۳۰/۴ مجلس، تهران: مجلس شورای اسلامی، فریم ۳۰.

منابع تقویم‌نگاری عصر صفوی اشاره‌ای به چنین تقویم‌هایی نکرده‌اند، قاعدتاً به این دلیل که تنها صورتِ مُجَدُّول و نام آنها به تقویم‌های نجومی شبیه بود، وگرنه حتی در بخش اختیارات نسبتی با آنها نداشتند. به این ترتیب، متونی که با عنوان تقویم شرعی می‌شناسیم از نظر محتوا تفاوتی با رسالات اختیارات شرعی مثل *رساله‌ی اختیارات مجلسی* یا اختیارات امام صادق (ع) ندارند و آنها را هم باید از جمله‌ی اختیارات شرعی به حساب آورد. پس متشرعین، در نهایت، تقویم‌های نجومی را، با وجود تمام محتوای متنوعی که داشتند، به رسائلی در اختیارات برای تمام روزهای یک ماه قمری فروکاستند. همین واقعیت تأیید می‌کند که بخش اختربینی تقویم‌ها، و مرجعیتی که منجمان به خاطر آن کسب کرده بودند، در کانون نزاع متشرعین قرار داشته است.

۵. اختیارات، مهم‌ترین شاخه‌ی اختربینی برای علما و منجمان

اینجا لازم است توضیحی در باب اختیارات^۱ ارائه شود که محبوب‌ترین شاخه‌ی اختربینی نزد علما و منجمان این دوره بود. رسالاتی که علمای متشرع در حوزه اختربینی شرعی یا غیرشرعی تألیف می‌کردند تقریباً همگی در شاخه‌ی اختیارات نوشته شده است و بر سر همین شاخه از اختربینی است که با منجمان درمی‌افتادند و آنها را فاقد صلاحیت پرداختن به این کار می‌دانستند. چرا اختیارات بیش از بقیه مورد توجه بوده است؟ چرا نقد اختربینی شامل نفی اختیارات نمی‌شد و حتی متشرعین نیز به این کار می‌پرداختند؟
انتقاد از اختربینی سابقه‌ای به اندازه‌ی خود آن دارد.^۲ نزاع بر سر اعتبار اختربینی حول دو نکته می‌چرخید:

1. Hemerology/Menology/Elections

۲. ضعف بزرگ معرفت اختربینانه این بود که معارفش بیشتر نقلی بود تا حاصل مشاهده یا استنتاج عقلانی. اگرچه تأثیر کواکب بر حوادث تحت قمر کمابیش پذیرفته شده بود، نسبت‌های مشخصی که اهل تنجیم میان رویدادهای سماوی و زمینی برقرار می‌کردند برای همه موجه نبود. شاید به همین خاطر پای متونی به میان کشیده می‌شد که می‌توانست منشأ وحیانی داشته باشد و این گونه احکامش را توجیه کند، مانند کتاب داوود نبی (ع) (نک. "Astrology", p. 119) یا رساله‌ی منسوب به امام جعفر صادق (ع) و تقویمی منسوب به حضرت علی (ع) در اختیارات.

الف. اختیار و اراده‌ی آزاد انسان،

ب. منحصربه‌فرد بودن و دقت نمودار طالع.

مورد دوم بر آن بود که هیچ نمودار طالعی اختصاصاً برای یک فرد تهیه نشده و از آن مهم‌تر این که زمان تولد فرد با دقت مطلق تعیین نمی‌شود. از طرف دیگر، جبری بودن آثار صادره از اجرام سماوی با قدرت مطلق خداوند و شرط اختیار بشر برای رستگاری سازگار نبود. اما آنها که از راه دین اختربینی را موجه می‌ساختند، معتقد بودند که اثرگذاری اجرام سماوی بخشی از طرح و نقشه خالق است و این اجرام تا حدی از جوهره‌ی الهی برخوردارند.^۱ شاردن نیز توجیه باور به صدق غیب‌گویی در اختربینی و طلسم و رمل برای آگاهی از آینده بر مبنای اعتقاد به خدا را از قول ایرانیان توضیح داده است.^۲

اما اختیارات تا حدی از اتهاماتی که علیه اختربینی و به ویژه موالید وجود داشت مبرا بود.^۳ ایده‌ی اصلی اختیارات این است که هر کاری تحت تأثیر طالع لحظه‌ی آغاز خود است، همان‌طور که زندگی هر فرد متأثر از طالع لحظه‌ی تولد اوست، یعنی بحث بر سر سعادت و نحوست لحظه‌ی شروع کار است.^۴ پس هر کس که می‌خواهد کاری را انجام دهد، برای آن که در انجام آن موفق شود، باید زمانی را انتخاب یا اختیار کند که سیارات

۱. برای تفصیل این بحث، نک.

"Astrology", p. 121, 125.

۲. نک. سیاحتنامه‌ی شاردن، ج. ۵، ص. ۲۴۳.

۳. اختربینی پنج شاخه دارد: حوادث الجو، وقایع عالم، احکام موالید، اختیارات، مسائل ضمیر و خبی، که در اینجا تنها اشاره‌ای به اختیارات و موالید می‌شود. در باب شاخه‌ها یا اصناف احکام نجوم، نک. ابوریحان بیرونی، (۱۳۸۶)، *التفهیم لاوائل صناعة التنجیم*، تصحیح جلال‌الدین همائی، تهران: هما، صص ۵۱۱-۵۱۳، و برای مطالعه‌ای جامع، نک.

"Astrology", pp. 118-123.

۴. این باور که روزها نه تنها به لحاظ کمی، بلکه به لحاظ کیفی هم تثبیت شده و مقدر هستند، و می‌توان شکست یا توفیق در انجام کاری را به لحظه‌ی شروع آن کار مرتبط دانست، در میان تمام فرهنگ‌های باستانی، از بابل و مصر تا چین، رایج بوده است. اختیارات ظاهراً از قرن دوم یا اول قبل از میلاد با متون هرمسی در باب ایاتروماتیاتیک / Iatromathematics (به‌کارگیری اختربینی در طب) آغاز شده است، نک.

Alasdair Livingstone, (2013), "Hemerology and Menology", *The Encyclopedia of Ancient History*, Edited by Roger S. Bagnall, Kai Brodersen, Craig B. Champion, Andrew Erskine, and Sabine R. Huebner. Blackwell Publishing, pp. 3130-3131.

نقش اختربینی در نظم زمانی و زمینه‌ی تقویم‌نگاری احکامی متشرعین در عصر صفوی | ۱۲۳

در آن لحظه در موقعیت مناسبی قرار گرفته باشند. نامش نیز به همین ویژگی اشاره دارد: این که انسان در پیروی از احکام آن مجبور نیست و می‌تواند اختیار وقت کند. اختربینان در اذعان به این که فرد در انتخاب لحظه‌ای که برای آغاز کارش سعد باشد دارای اختیار است تا حدی پیشگویی‌های طالع‌بینانه را نفی می‌کنند و از انتقادهای می‌گیرند. پس اختیارات معرفتی تجویزی است و بر خلاف مثلاً موالید حکمی جزمی در مورد رخدادهای نمی‌دهد. از بین شاخه‌های اختربینی، اختیارات بود که بیشترین اثر را بر جامعه به طور اعم داشت، زیرا قبل از این که کسی بخواهد ازدواج کند یا به کاری دست بزند یا عازم سفر شود لازم بود که اختربین زمان مناسب و مسعود را تعیین نماید.^۱ از میان فروع احکام نجوم، تا آنجا که به تمدن اسلامی مربوط می‌شود، اختیارات را باید مهم‌ترین و پرکاربردترین بخش آن به شمار آورد.

برای فهم علت پرداختن متشرعین به اختیارات، باید به اهمیت اجتماعی کاری که جدول‌ها، تقویم‌های نجومی، رساله‌های اختیارات و تقویم‌های شرعی در تعیین سعد و نحس ایام و اوقات انجام می‌دادند توجه کرد. همین جنبه است که اشتغال منجمان و مهم‌تر از آن برخی از علمای متشرع به ساخت و پرداخت این نوشته‌ها را برای تحقیق حاضر مهم می‌سازد. ریشه‌ی قضیه در نقش زمان سعد نهفته است.

در جهان پیشامدرن، زمان سعد، که لزوماً و همیشه هم مبنایش وضع افلاک نبود، به جشن‌ها و آیین‌های سالانه و تمام فعالیت‌های مفید و ضروری گره خورده بود.^۲ برای نمونه می‌توان به فهرست کارهایی که مشمول اختیارات می‌شدند، یعنی انجام دادن آنها نیاز به تعیین زمان سعد داشت، اشاره کرد: دیدن ملوک، جلوس بر تخت، ابتدای تعلیم، سفر بر و

۱. نک. "Astrology", pp. 123-124. عملیات تعیین سعد یا نحس بودن اوقات شامل تمام بازه‌های زمانی سال، ماه، روز و ساعت می‌شود، نک. صدیق بن حسن خان القنوجی البخاری، (۱۴۲۰)، *بجد العلوم*، تصحیح احمد شمس‌الدین، بیروت: دار الکتب العلمیه، ج. ۲، ص. ۲۷. قمر هم در مباحث اختیارات نقش بسیار پررنگی دارد، که با نظر متشرعین مبنی بر لزوم توجه به قمر همخوانی دارد. در مورد اهمیت قمر در اختیارات، نک. شرح بیست باب، ص. ۱۸۰؛ ابوریحان بیرونی، (۱۳۸۹)، *آثار الباقیه*، ترجمه‌ی اکبر داناسرشت، تهران: امیرکبیر، ص. ۳۶۰.

۲. نک: تروند برگ اریکسن، (۱۳۸۵)، *تاریخ زمان*، ترجمه اردشیر اسفندیاری، آبادان: پرسش، ص. ۳۹.

سفر بحر، دخول در بلد، نو بریدن و نو پوشیدن، نکاح کردن، زفاف کردن، حمام رفتن، سر تراشیدن، فصد کردن، حجامت کردن، مُسهل خوردن، غرغره کردن، ختنه کردن، برده خریدن، چهارپا خریدن، زراعت کردن، اجاره نمودن، اجرای قنوات، غرس درخت، بنا نهادن، بناهای زیر زمین، از برای دعا کردن. اما کارهایی که «هر روز یا هر هفته چند بار محتاج الیه باشد»، در انجام دادن آنها نیاز به اختیارات نیست.^۱

اما تعیین و اعمال زمان سعد و نحس چگونه انجام می‌شد؟ به گفته‌ی اریکسن، تمیز میان زمان سعد و نحس در جوامع قومی و کوچک امکان‌پذیر نبود. سازمان دادن رابطه‌ی میان زمان سعد و نحس نیاز به «تخصصی شدن نقش روحانیان و روشن شدن مرز میان یک فرد مؤمن با یک رهبر دینی» داشت، که در دولت‌های بزرگ متمرکز ممکن شد.^۲ از طرف دیگر، در جوامع پیشامدرن، اداره و نظارت بر گاهشماری و تقویم بر عهده‌ی روحانیان بود، که هم تقدیس و شرعی‌سازی فنون و مشاغل را به عهده داشتند و هم تعیین سعادت و نحوست اوقات را.^۳ پس در جوامع بزرگ و متمرکز باستانی، مانند مصر و بابل، نقش تقویم تنظیم زمان‌های سعد و نحس بود و مسئول این کار نیز دین‌یاران بودند.

بنابراین، دولت هر چه قوی‌تر و متمرکزتر باشد، نظام تقویمی دقیق‌تر و منظم‌تری دارد. وارد ساختن تمایز میان سعد و نحس به آنها امکان می‌داد که نظارتی پیچیده و متمرکز بر نظم زمانی زندگی مردم اعمال کنند. اشاره‌ی اریکسن به روحانیان و کاهنان تأمل‌برانگیز است. هرچند در اسلام طبقه روحانیان به آن معنا وجود نداشت، و علمای دین هم نقش کاهنان بابلی را نداشتند، جالب است که در عصر صفوی علمای متشرع به تألیف آثاری در تعیین سعد و نحس اوقات روی آوردند، و این کار با تمرکز بیشتر حکومت مرکزی در اصفهان، از اواسط قرن ۱۱ ق. اوج گرفت. رسائل مجلسی در اختیارات از معروف‌ترین

۱. شرح بیست باب، صص. ۱۸۰-۱۸۷.

۲. «تقویم منظم و تکامل یافته‌ی ایام مقدس متعلق به آن جامعه‌ای است که در آن تصورات دینی مردم تحت نظارتی پیچیده و تمرکز یافته درآمد. در نمونه‌ی روشن آن دولت‌های مصر و بابل قدیم بود» (تاریخ زمان، ص. ۳۹).

۳. همان، صص. ۳۹، ۶۶.

آثار در این باره محسوب می‌شوند. وی در مقدمه‌ی *اختیارت/ایام* می‌گوید:

این رساله‌ای است در بیان آنچه از احادیث معتبره اهل بیت ... معلوم می‌شود، از سعادت و نحوست ایام هفته و ماه ... تا آن که جمعی از خاص شیعیان که در جمیع امور متابعت پیشوایان دین را لازم می‌دانند به این رساله رجوع نموده، به اختیارات ساعات نجومیه که به حسب شرع مذموم است نباشند.^۱

نمونه‌ای از تأثیر باور به سعد و نحس ایام بر زندگی اجتماعی عصر صفوی روزهای نحس، به ویژه چهارشنبه، و رفتارهایی است که به این امر مربوط می‌شود. به گفته‌ی دلاواله، چهارشنبه آخر صفر را اکثر مسلمین، به ویژه ایرانیان، نحس و حتی آن را نحس‌ترین چهارشنبه می‌دانند. در این روز دست به هیچ کاری نمی‌زنند، حتی به جنگ نمی‌روند و جوانب احتیاط را رعایت می‌کنند. در کل، ماه صفر را ماهی نحس می‌دانند و از این رو در این ماه نه به سفر می‌روند و نه کاری انجام می‌دهند.^۲

حال می‌توان سراغ پاسخ این سؤالات رفت که چرا در این دوره شاهد رشد رساله‌هایی از علمای دین در شاخه‌ی اختیارات هستیم؟ و چرا متشرعینی که از اختربینی انتقاد می‌کردند خود در موضوع اختیارات (به صورت رساله مستقل یا تقویم شرعی) دست به تألیف می‌زدند؟ در پاسخ باید گفت: اول این که فقط آن بخشی از اختربینی نزد علمای دین مشروعیت یافته بود، یا امکان توجیه داشت، که اختیار انسان را زیر سؤال نمی‌برد و برای خدا تعیین تکلیف نمی‌کرد. اختیارات همین خاصیت را داشت. پس وقتی اختربینی در جامعه فراگیر و ناچار پای علمای دین هم به آن باز شد، گروه اخیر به اختیارات روی آوردند، چون به اندازه‌ی مثلاً موالید اختیار بشر را نادیده نمی‌گرفت، در عوض، انتخاب‌هایی پیش روی فرد می‌نهاد تا با اختیار اثرات سماوی را پذیرا شود. بدین ترتیب

۱. محمدباقر مجلسی، (۱۴۱۲)، بیست‌وینج رساله‌ی فارسی، قم: کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی نجفی، ص. ۱۹۵.

۲. پیتر و دلاواله، (۱۳۸۰)، *سفرنامه پیتر و دلاواله*، ترجمه‌ی محمود بهفروز، تهران: قطره. ج. ۲، صص. ۹۶۱-۹۶۲؛ همچنین، نک. *سیاحتنامه‌ی شاردن*، ج. ۵، ص. ۲۶۲؛ *آدام‌الناریوس*، (۱۳۶۳)، *سفرنامه‌ی آدام‌الناریوس: بخش ایران*، ترجمه‌ی احمد بهپور، تهران: سازمان انتشاراتی و فرهنگی ابتکار، صص. ۷۸، ۳۱۲.

متشرعین توانستند ورودی پیروزمندانه به عرصه‌ی اختیارات داشته باشند.

نتیجه‌گیری

هدف اختربینی اساساً مدیریت اکنون است، حفظ ثبات از طریق هماهنگ کردن زمین (رویدادهای زمینی) با کل کیهان. علم به گذشته و پیش بینی آینده نیز با همین هدف دنبال می‌شود. در جامعه‌ی صفوی نیز اختربینی به کمک تقویم‌های نجومی که توسط منجمان منتشر می‌شد نقش پررنگی در نظم زمانی یافته بود. کارکرد اصلی این تقویم‌ها در اختیار نهادن احکام نجومی برای سامان اوقات به صورت روزانه برای عموم مردم بود، و اغراق نخواهد بود اگر با شاردن هم‌سخن شویم که در جامعه‌ی صفوی تقویم را اساساً برای احکام نجومی‌اش می‌خواستند.

رشد تقویم‌های نجومی باعث واکنش متشرعین به نقش منجمان در سروسامان دادن وقت به کمک احکام نجومی شد. مسئله این است که تقویم‌های نجومی به خصوص به اختربینی مربوط می‌شدند و هیچ کس را نمی‌شد بیش از یک منجم شایسته این کار دانست. پس وقتی برخی متشرعین با منجمان و تقویم نجومی به معارضه برمی‌خیزند، کارشان بسیار معنادار می‌شود، به ویژه که پیروی از احکام اختیارات را رد نمی‌کنند، بلکه مرجعیت منجمان در این کار را محکوم می‌کنند. استدلالی که متشرعین به کار بردند نیز زیر سؤال بردن صلاحیت منجمان در آگاهی یا علم به اثر حرکات سماوی بر رویدادهای عالم سفلی بود، نه لزوماً اصل ارزش و کیفیت اوقات.

پس در دوره‌ی صفوی آنچه پای متشرعین را به بحث تقویم و نزاع با منجمان باز کرد، در درجه‌ی اول، نه انتقاد به اختربینی، بلکه مرجعیتی بود که منجمان و تقویم‌های نجومی در جامعه‌ی صفوی برای تنظیم زندگی مردم از طریق اختربینی کسب کرده بودند، چنان که فیض کاشانی هم به آن اشاره کرده است. از همین رو، متشرعینی که پیروی از احکام نجومی در قالب اختیارات را مورد اشکال نمی‌دانستند حمله‌ی خود را متوجه تقویم‌های نجومی، مرجع صدورشان یعنی منجمان و روش‌های آنها کردند. در عوض، تنها طریق استخراج احکام اختیارات را مراجعه به احادیث ائمه (ع) در این باب معرفی کردند و خود

نقش اختربینی در نظم زمانی و زمینه‌ی تقویم‌نگاری احکامی متشرعین در عصر صفوی | ۱۲۷

دست به تألیف آثاری با این محتوا تحت عنوان اختیارات شرعی یا تقویم شرعی زدند. یکی از نتایج مطالعه‌ی حاضر فهم این نکته است که باور به ارزش کیفی زمان و واحدهایش اصلی فراگیر در اذهان مردم بوده است، حتی فراگیرتر از این اندیشه که حوادث زمینی متأثر از عالم افلاک هستند. به همین خاطر بود که متشرعین حتی با نادیده گرفتن این تأثیر هم به ارزش‌گذاری ایام و اوقات قائل بودند. همین موضع باعث ظهور تقویم‌های شرعی شد، تقویم‌هایی که جدول ارزش اوقات را بدون توجه به موضع ثوابت و سیارات تنظیم می‌کردند. شاید مهم‌ترین نتیجه‌ی این بحث را بتوان این گونه جمع‌بندی کرد که هر دو گروه به این که ایام و اوقات در نسبت با کارها و اعمال فردی و اجتماعی و سیاسی از ارزش‌های مختلفی برخوردارند اتفاق نظر داشتند، ولی این که منشأ این ارزش چه بود و چه کسی و از چه منبعی باید احکام اوقات و ایام را استخراج می‌کرد مورد اختلاف بود. این واقعیت که جداول احکامی تا چه اندازه در نظم دادن به زندگی مردم مؤثر بوده‌اند خود برای تبیین این نزاع کفایت می‌کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مآخذ

- ابونصری هروی، قاسم بن یوسف، (۱۳۴۶)، *ارشاد الزراعه*، تصحیح محمد مشیری، تهران: دانشگاه تهران.
- اریکسن، تروند برگ، (۱۳۸۵)، *تاریخ زمان*، ترجمه اردشیر اسفندیاری، آبادان: پرسش.
- بیرونی، ابوریحان، (۱۳۸۶)، *التفهیم لوائل صناعة التنجیم*، تصحیح جلال‌الدین همائی، تهران: هما.
- بیرونی، ابوریحان، (۱۳۸۹)، *آثار الباقیه*، ترجمه‌ی اکبر داناسرشت، تهران: امیرکبیر.
- تاورنیه، ژان باتیست، (۱۳۸۳)، *سفرنامه‌ی تاورنیه*، ترجمه‌ی حمید ارباب شیروانی، تهران: نیلوفر.
- ترکمان، اسکندر بیگ، (۱۳۸۲)، *تاریخ عالم آرای عباسی*، زیر نظر ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
- تقویم ۱۰۲۹ ق.، نسخه‌ی خطی شماره‌ی ۶۱۷۱ مجلس شورای اسلامی.
- تقویم ۱۰۸۵ ق.، نسخه‌ی خطی شماره‌ی suppl. PERS. 376 کتابخانه‌ی ملی فرانسه به آدرس ark:/12148/btv1b52501767z اینترنتی.
- تقویم ۱۱۰۳ ق.، نسخه‌ی خطی شماره‌ی ۳۵۸ (مجموعه‌ی ۵ تقویم) از مجموعه‌ی سلطانی کتابخانه‌ی بنیاد دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- تقویم ۱۱۰۷ ق.، نسخه‌ی خطی شماره‌ی ۳۵۸ (مجموعه‌ی ۵ تقویم) از مجموعه‌ی سلطانی کتابخانه‌ی بنیاد دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- تقویم ۱۱۳۰ ق.، نسخه‌ی خطی شماره‌ی ۵۸۹۹ کتابخانه‌ی ملی ملک.
- جعفریان، رسول، (۱۳۸۹)، «دیدگاه علمای عصر صفوی درباره احکام نجومی و سعد و نحس ایام»، پیام بهارستان، س. ۳، ش. ۱۰ (دوره جدید)، صص. ۳۳۳-۳۴۹.
- جنابدی، میرزاییگ، (۱۳۷۸)، *روضه‌الصفویه*، به کوشش غلامرضا طباطبائی مجد، تهران: بنیاد موقوفات افشار.
- خاتون‌آبادی، میرمحمد صالح، تقویم شرعی، نسخه‌ی خطی شماره‌ی ۱۵۸۳۰/۴ مجلس. تهران: مجلس شورای اسلامی.
- خاتون‌آبادی، میرمحمد صالح. *انوار مشرقه*، نسخه‌ی ۵۱۸۳ مجلس. تهران: مجلس شورای اسلامی.
- دلاواله، پیتر، (۱۳۷۰)، *سفرنامه‌ی پیتر دلاواله (قسمت مربوط به ایران)*، ترجمه‌ی شجاع‌الدین شفا، تهران: علمی و فرهنگی.
- دلاواله، پیتر، (۱۳۸۰)، *سفرنامه پیتر دلاواله*، ترجمه‌ی محمود بهروز، تهران: قطره.

نقش اختربینی در نظم زمانی و زمینه‌ی تقویم‌نگاری احکامی متشرعین در عصر صفوی | ۱۲۹

- ژینیو، فیلیپ، (۱۳۹۲)، *انسان و کیهان در ایران باستان*، ترجمه‌ی لیندا گودرزی، تهران: ماهی.
- سبزواری، ملا هادی، (۱۳۸۳)، *اسرار الحکم*، قم: مطبوعات دینی.
- شاردن، ژان، (۱۳۳۵-۱۳۴۵)، *سیاحتنامه‌ی شاردن*، ترجمه‌ی محمد عباسی، تهران: امیرکبیر.
- شاردن، ژان، (۱۳۷۲)، *سفرنامه‌ی شاردن*، ترجمه‌ی اقبال یغمایی، تهران: توس.
- فارابی، محمد بن محمد، (۱۳۸۹)، *احصاء العلوم*، ترجمه‌ی حسین خدیوجم، تهران: علمی و فرهنگی.
- فیض کاشانی، ملا محسن، (۱۳۱۵)، *تقویم المحسنین و احسن التقویم*، بیجا: بیجا.
- القنوجی البخاری، صدیق بن حسن خان، (۱۴۲۰)، *ابجد العلوم*، محقق: أحمد شمس‌الدین، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- گنابادی، مظفر بن محمد قاسم، (۱۲۷۶)، *شرح بیست باب در معرفت تقویم*، به خط علیرضا ابن عباسعلی (چاپ سنگی)، بی‌جا: بی‌جا.
- لطفی، لطف‌الله بن حسین شیرازی، *تقویم لطفی*، نسخه‌ی خطی شماره‌ی ۱۶۲۱۷/۶ مجلس. تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۱۲)، *بیست و پنج رساله‌ی فارسی*، قم: کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی نجفی.
- میرزا سمیع، محمد سمیع، (۱۳۷۸)، *تذکره‌ی الملوک و سازمان اداری حکومت صفوی*، با تعلیقات مینورسکی، به کوشش محمد دبیرسیاقی، مترجم مسعود رجب‌نیا، تهران: امیرکبیر.
- ناجی نصرآبادی، محسن، (۱۳۸۷)، *کتابشناسی فیض کاشانی*. تهران: مدرسه عالی شهید مطهری.
- نصر، سید حسین، (۱۳۷۷)، *نظر متفکران اسلامی درباره‌ی طبیعت*، تهران: خوارزمی.
- نیشابوری قمی، حسن بن محمد نظام اعرج، *کشف الحقایق زیج ایلخانی*، نسخه خطی شماره‌ی ۳۵۷۹ مجلس، کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی.
- واندروردن، بارتل لیندرت، (۱۳۷۲)، *پیدایش دانش نجوم*، ترجمه‌ی همایون صنعتی‌زاده، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه).
- التاریوس، آدام، (۱۳۶۳)، *سفرنامه‌ی آدام التاریوس: بخش ایران*، ترجمه‌ی احمد بهپور، تهران: سازمان انتشاراتی و فرهنگی ابتکار.

- Blake, Stephen P., (2013), *Time in Early Modern Islam*. Cambridge University Press.
- Chardin, Sir John, (1811), *Voyages du Chevalier Chardin en Perse et autres lieux l'orient*, Paris: Le Normant, Imprimeur-Libraire.
- Livingstone, Alasdair, (2013), "Hemerology and Menology", *The Encyclopedia of*

Ancient History, Edited by Roger S. Bagnall, Kai Brodersen, Craige B. Champion, Andrew Erskine, and Sabine R. Huebner, Blackwell Publishing.

- Pingree, David, (1974), "Astrology", in: *Dictionary of the History of Ideas: Studies of Selected Pivotal Ideas*, by Philip P. Wiener (ed.), Vol. 1, New York: Charles Scribner's Sons. pp. 118-126.

- Tavernier, Jean Baptiste, (1676), *Les six Voyages de Jean Baptiste Tavernier en Turquie, en Perse et aux Indes*. Paris: Gervais Clouzier & Claud Barbin.

- Tavernier, John Baptista, (1678), *Voyages of John Baptista Tavernier into Turkey, Persia and East-India*, made English by J. P., London: John Starkey.

